۴۶

لندن ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۳

احمد جان دوست عزیز

سلام گرمم را بپذیرید. با این گرمی ~~[illegible]~~ دائم «هزار وعده خوبان یکی وفا نکند»، چون شما در لندن با اشتیاق خواستید که برایتان بنویسم، که متقابل بود، یک روز تمام منتظر تلفن بودم. زیرا «من هم احساس می‌کنم شما را همیشه می‌شناخته‌ام». دوبار سخنرانی شما را به فارسی و انگلیسی در سن آنتونیو و این بار در لندن شنیدم. چیزی که برایم دلنشین است عشقتان به ایران و ادبیاتش، تسلط بر موضوع و طرز بیان تان که توأم با فروتنی و گشاده‌رویی است. چیزهایی که هر باید دانشمندی دارا باشد. پیروزتر باشید!

از این که خواندن «فروغ جاودانی» را تحمل کرده و نسبت به آن نظر مهر داده اید، سپاسگزارم. در پاسخ دیگر ای کاش می‌توانستم قراری برای دیدار بعدی بگذاریم»، قرار نزدیک‌تر از این به نظرم نمی‌رسد، که من با پسرم مهرداد که ~~آوازخوان کنسرت و نوازنده است~~ موسیقیدان است از ۲۱ اوت، ابتدا آتلانتیک دو سه روزه به نیویورک خواهم رفت سپس به سن دیاگو. آقای محمود گودرزی پیشنهاد می‌کنند که در شیکاگو و دالاس شب شعرخوانی داشته باشم. (اما نمی‌دانم این مسافرت‌ها چگونه برگزار خواهد شد. چون مهرداد باید دوم سپتامبر برگردد و مسافرت تنها هم برای من چندان آسان نیست. متأسفانه شماره تلفن شما را انداخته‌ام تا از آمریکا تماس بگیرم. دو شماره تلفن خانم نوشین و آقای رسولی را می‌نویسم که اگر بخواهید، می‌توانید سراغ مرا از آنها بگیرید: نوشین 516-7734205 خانه و ~~516 4824949~~. آقای رسولی 718-2612719 و این هم شماره تلفن آقای گودرزی (۲۰۲) 9939044.

و اما نامه‌ای که به آقای نادرپور نوشته‌ام و ایشان لطفاً پذیرفتند به او برسانند، به پیوست است. می‌خواهم خودشان هم اگر خواسته باشید ~~بگویید که نشانی او را برایتان بنویسم~~.

با گرم‌ترین سلام‌ها به ~~[illegible]~~ - نسرین جان و به امید دیدار مجدد شما عزیزان.

ژاله

ناقدان و ناشران غالباً بیوگرافی ژاله را از روی حدس یا بر اساس منابع نادرست می‌نویسند که بهتر می‌بود اگر همچنان گمنامش می‌گذاشتند. البته منظورم آقای نادرپور نیست.